

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ اٰلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه نجم

هر سوره ما را با نیازهای آشنا می کند.

فرایند برآوردن شدن آن نیازها را بیان می کند.

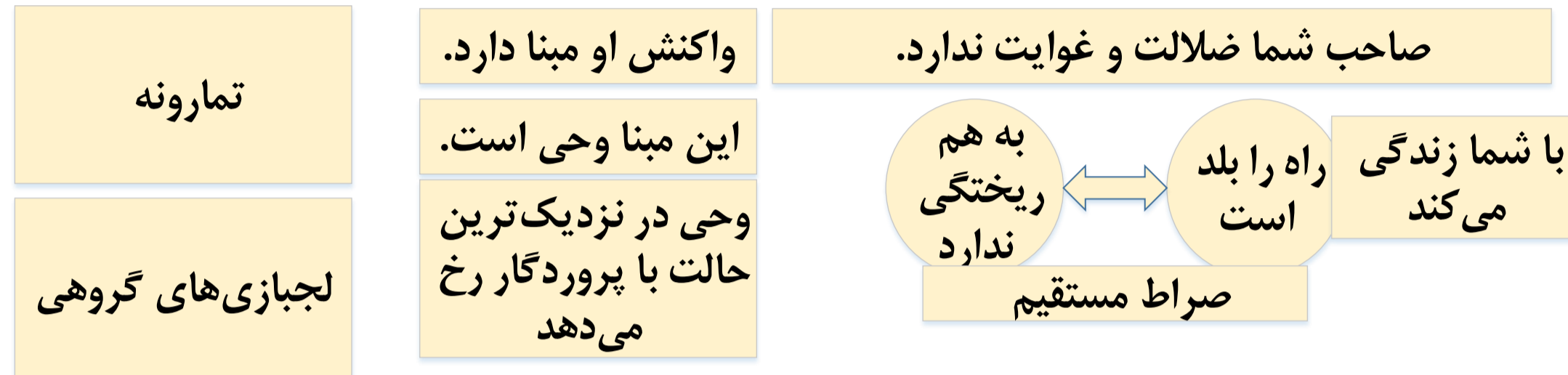
ذاریات	طور	نجم
مسیر رزق دار شدن	مسدود شدن باب عذاب	اتصال دهنده ما به خدا
رزق خواهی حقیقی	دوری از عذاب	ایمان / اطمینان
رزق خواهی حقیقی	وحی و کتاب و میقات	شخص رسول گرامی ص

نجم

سوگند به نجم وقتی مأموریتش تمام می شود.



پیامبر با وجود رسول بودنش مصاحب شماست.



سؤال :
صاحب بودن پیامبر یعنی چه؟
چطور معنای صاحب را می شود فهمید؟
اینکه پیامبر صاحب ماست به چه معناست؟

سؤال :
افتمارونه یعنی چه؟

نجم

وصف معراج

توفیق اختصاصی به پیامبر اعظم ص

دوره و زمانه به دست دارنده معراج

ارتباط خاص با ملک
وحی

کشف حقایق

مشاهده‌هایی از جنس
لقاء

امکان ارتباط با ملائکه

ظرفیت دریافت علم و
قدرت بیشتر

احساس‌های نو و جدید
از جنس معنویت

اگر کسی تنها حیات دنیا را اراده کند با هیچ دلیلی نمی‌توان او را به حق دعوت کرد.	انسان دارای حیات مادی
	روزمره
وحی و پیام‌آور وحی برای چنین شخصی بی‌معناست. بنابر این هر آنچه مربوط به غیب است را به شکل اشتباه و بر اساس هوای نفس و تبعیت از ظن قبول دارد.	عطا حیات غیرمادی
	وصل به غیب و اتصال به حقایق
	ممزوج با عواطف ثابت ماندگار

ساختار ادراکی و توجهی خود را آخرت‌گرا بکند.

هر قدر انسان مولفه‌های حیات غیرمادی را بیشتر قدر بداند به وحی و پیامبر آن بیشتر اعتماد می‌کند و هر قدر اینگونه نباشد به غیر آن اعتماد می‌کند.

از مسیر قرائت قرآن و روایات و ادعیه اهل بیت علیهم السلام به نیت اراده آخرت هر قدر این اراده قوی‌تر باشد و در عمل ظهور داشته باشد قدرشناسی بیشتر اتفاق می‌افتد.

ساختار ادراکی و توجهی عاطفی و فعلیتی را انسان متناسب با حیات غیرمادی

در اختیار قرار دادن عوامل غیبی

رسول/پیام‌آور خداوند از غیب

معراج میقات خاص محل صدور رسول و رسالت

شب قدر جریان دائم رسالت توسط ولی خدا

از چه چیزهای باید دور باشد

دور از ضلالت، دور از غوایت و خالی از هوا باشد انحراف و طغیان در بینایی نداشته باشد

چه چیزی باید داشته باشد

علم شهودی داشته باشد

با وحی در ارتباط می‌شود.

مقابله با بت‌پرستی و خرافه‌ها

دلالت دهنده به انجام کارهای حسن

دعوت می‌کند به ترک کارهای زشت و فجیع

دلالت به انسان‌ها نیک

قواعد قیامت

دلالت به فعل خدا و نزدیک کردن خدا به فرد

دلالت بر بقای انسان و وظایف زن و مرد

دلالت به زوال اقوام با قدرتی که داشتند

انسان در ساختار وجودی خود امکان روبرو شدن با وحی را دارد.
 وحی‌ای که به انسان می‌رسد راه‌های آسمان را براو می‌کشاید.
 می‌توان به واسطه این توان خود ش را به نزدیک‌ترین حالت با خدا برساند.
 قرب انسان را در بالاترین حد تأمین می‌کند. شناخت اسماء و صفات خدا به واسطه اتفاق می‌افتد.

انسان

از نیازهای اساسی او ارتباط با غیب است.

شناخت قوانین پیشگویی پیش‌بینی

بر طرف شدن یا برآورده شدن نیاز

مسیر دوم

مسیر اول

از طریق غیر وحی الهی

از طریق وحی

از طریق پیامبر

هیچ علمی برای انسان واجب‌تر از علم به وحی نیست.
 استفاده پیامبر به وسیله پهره‌مندی از وحی به صورت تفصیلی

اگر مسیر درست را طی نکند به سمت خلق جلوه‌های شرک پیش می‌رود. و نیز گناهایی که زشت بودنشان را همه انسان‌ها می‌فهمند برایش عادی بلکه ارزش می‌شود.

ظنیات = حرف‌های نه چندان قطعی

خواهش‌های نفسانی خود یا دیگران

قوانین اوامر و نواهی دلالت‌های به گذشته و خبر از آینده

عدم شناخت قوانین نشناختن اوامر و نواهی از گذشته و آینده خبر نگرفتن

وقتی کتاب را قرائت می‌کنیم نازل کننده کتاب را مصاحب و همراه خود می‌دانیم و می‌یابیم.

قرب به نازل کننده را تدارک می‌بینیم. در معرض توجه خود قرار می‌دهیم قبل از اینکه کتاب را بخوانیم.

وساطت علم از وحی از او می‌خواهیم.

بعد از قرائت نیز محبت به او را هم طلب می‌کنیم هم افزایش آن را در مطالبات خود قرار می‌دهیم.

قرآن سبب اتصال انسان به وحی و گویی جبرئیل ما پیامبر است.

وساطت در وحی برای انسان امر بسیار مهم و با ارزشی است.

همانطور که پدر و مادر وساطت در خلقت دارند پیامبر نیز وساطت در هدایت دارد و اتصال به خدا.

اگر کسی پیامبر برایش واسطه وحی نباشد پیامبر برایش واسطه وحی نیست. پس از وحی بی‌نصیب است.

آسیب‌شناسی انسان در گریز از وحی الهی

چرا انسان وحی گریز می‌شود؟

ایراد انسان در تمناهای اوست.

سقف پیشرفت انسان در شکل و نمود تمناهای اوست.

قیمه کل امرء ما یحسنة

آرزو دارم که زیر دین کسی نباشم.

آرزو دارم با خوبان باشم

آرزو دارم هیچ یک از کارهایم بدون اذن و رضایت خدا نباشد.

آرزو دارم قدرتمند بشوم برای کنترل نفسم.

اگر برای هر کسی توحید یعنی الهی که آخرت و اولی در ملک اوست بالاترین آرزو باشد - هم شناخت هم اتصال دائمی - رسول و امام برایش مهم و اساسی می شود و گرنه نه.

همه اشکالات زندگی انسان از خدانافهمی و خداناخواهی شروع می شود.

انسان باید از بدیها دست بردارد و گرنه هم از آسمان و هم از زمین می خورد.

برای اینکه انسان بتواند از بدیها دست بردارد باید از اثم و فواحش دوری کند.

اثم وقوف در گناه است گناه آنست که مورد رضایت خداوند نیست.

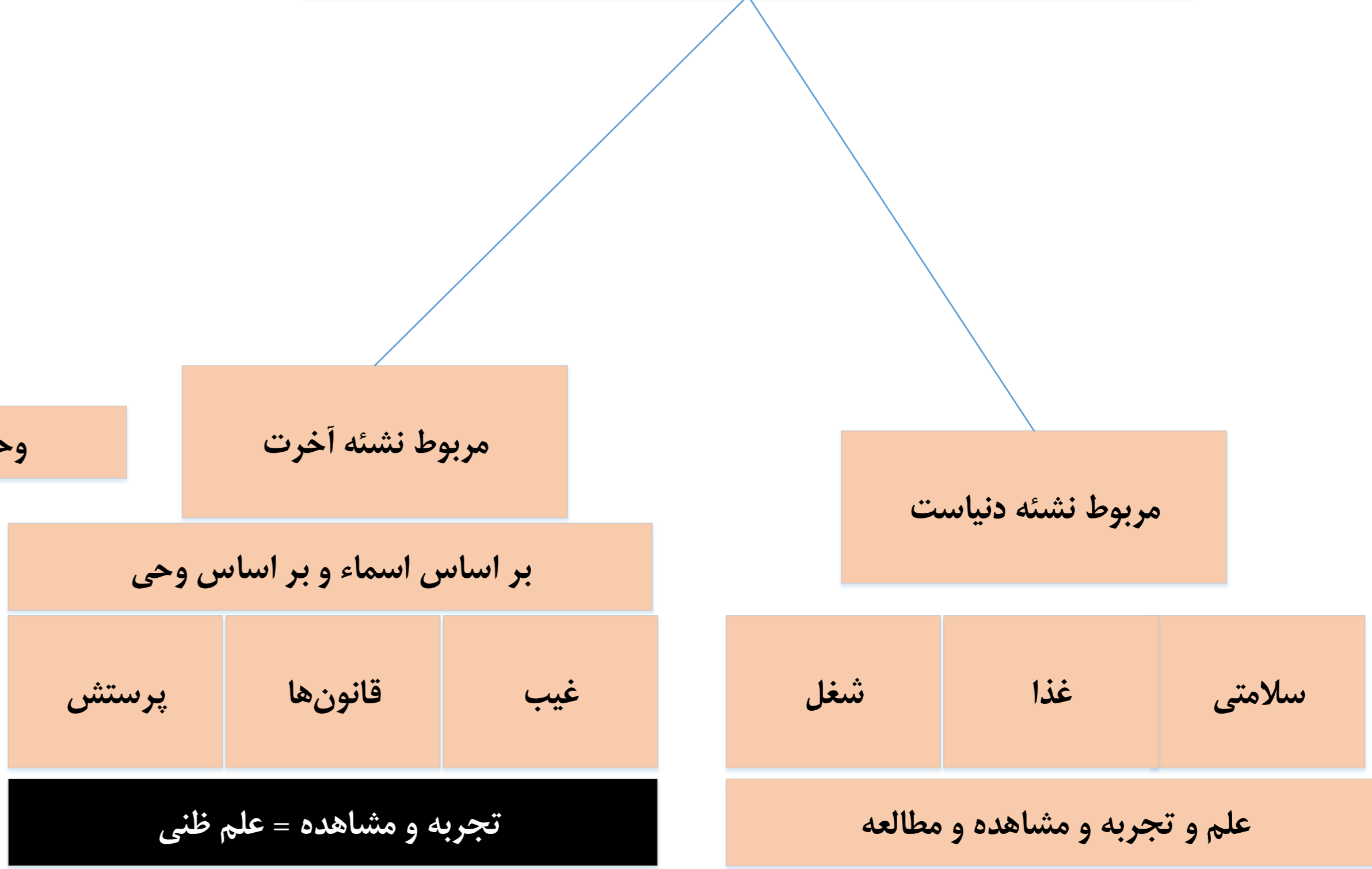
فواحش عبارتست از گناهایی که قبح آن را کسی نمی تواند بیوشاند.

انسان دور از اثم و فواحش آرزوی آخرت و اراده آن در او زنده می شود. از این رو قرب خدا برایش مهم می شود.

باورهای انسان چه خوب و چه بد به صورت گزاره‌ای هستند که برای آن باورها اسم‌هایی وجود دارد که می تواند آن باورها نشان‌دار کند.
باورهای حق از ناحیه انسان ساخته نمی شود بلکه از جانب خداوند به شکل وحی به انسان نازل می شود.
اگر کسی بدون وحی بود خالی از باورها حق است و باورهایی خواهد داشت که غیر حق است و اسم‌های نشان‌دار کننده آن وضع خود او یا پدران اوست.

باورهای اسمی باورهایی که در باره هست و نیست‌اند.
باورهای فعلی در باره شدن و نشدن‌ها هستند.
باورهای حرفی وابسته به اشخاص و موقعیت‌هاست.

انسان دو نوع نیاز و مسأله دارد



وحی به انبیا

فهرستی از:
 حقایق ثبت شده در صحف / کتاب‌های آسمانی
 اصل‌های منشور اتحاد مؤمنان از اول تا آخر عالم
 محک‌های هستی که در زندگی انسان نقش اساسی دارد
 پایه و اساس باورهای یک زندگی
 از ابتدای بلوغ انسان باید به چه حقایق به طور خاص توجه کند؟
 یک نوجوان چگونه باورمند شود؟
 ایمان خود را از چه باورهایی می‌زاند؟
 تقویت ایمان بهتر است از چه باورهایی صورت پذیرد؟
 اتکای به وحی از چه باورهایی صورت می‌پذیرد؟ چگونه مطمئن شویم که به وحی متمسک شده‌ایم؟
 پذیرش وحی با چه گزاره‌هایی سنجیده می‌شود؟
 اختلال‌های باوری را هر فرد چگونه می‌تواند در خود یا دیگر تشخیص دهد؟
 یقین فرد نسبت به حقایق چگونه ارزیابی می‌شود؟

بایسته عبودیت و سجده	بیان واکنش‌ها	قیامت	تنبه و هشیاری	سیر زندگی انسان‌ها	خالقیت و ربوبیت و الوهیت خدا	سیر عالم	اعمال و جزا
----------------------------	------------------	-------	------------------	-----------------------	------------------------------------	----------	----------------

انسان‌هایی که در اتصال با وحی هستند

از هر گونه بت‌پرستی مصون هستند	اسمائی که خودشان آنها را نامگذاری کرده باشند در زندگی آنها نیست	تمنای آلوده کننده ندارند.	از گمان‌های خود تبعیت نمی‌کنند	از خواهش‌های نفسانی خود تبعیت نمی‌کنند	برای خدا نسبت‌ها بی‌منطق و بی‌دلیل نمی‌دهند.
--------------------------------------	--	------------------------------	--------------------------------------	--	--

دوری از کبائر اثم و فواحش

خودستایی ندارند = تقوا

انسان‌ها به نسبت مقام خودشان گناه را بزرگ می‌بینند.